



منشآت

خان احمد کیلانی

(۹۴۴-۱۰۰۰ھ ق)

تصحیح و پڑوس

عباس پناہی



-
- سرشناسه : کیلانی، خان احمد، ۹۴۲-۱۰۰۵ ق.
- عنوان و نام پدیدآور : منشآت / خان احمد کیلانی؛ تصحیح و پژوهش عباس پناهی؛ ویراستار مریم شادمحمدی.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : هفتاد و دو، ۲۳۵. ۹ ص. نمونه
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۶۳. زبان و ادبیات فارسی؛ ۸۱
- شابک : 978-600-203-227-0
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۳۱]-۲۳۵.
- موضوع : نامه‌های فارسی - قرن ۱۰ ق.
- موضوع : Persian Letters-16th century
- موضوع : ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
- موضوع : Iran-History-Safavids, 1502-1736
- شناسه افزوده : پناهی، عباس، ۱۲۵۴ - ، مصحح
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده‌بندی کنگره : PIR ۳۹۳۷
- رده‌بندی دیویی : ۸۶۴ / ۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۲۹۸۰۴
- وضعیت رکورد : فیپا
-

منشآت

خان احمد کیلانی

(۹۴۴-۱۰۰۰ھ ق.)

تصحیح و پژوهش

عباس پناہی



منشآت

تألیف: خان احمد گیلانی (۹۴۴-۱۰۰۰ ه. ق)

تصحیح و پژوهش: عباس پناهی (عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان)

مدیر تولید: محمد باهر

ناشر: میراث مکتوب

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ویراستار: مریم شادمحمدی

صفحه‌آرا: رضا سلگی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۶۳۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۸۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۲۷-۰

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خمی‌های خطی موج می‌زند. این نسخه با در تحقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ به‌ویژه نامده‌ها ایرانیان است. برعمده به‌نسلی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین در آنها انجام گرفته و صد که کتاب در ساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نامکرده بسیار است. هزاران کتاب در ساله خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر شده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب‌ها در ساله‌های خطی و طیفضای است بردوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ سحمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

پیشکش به:

استاد بزرگوارم

دکتر محمد کریم یوسف جمالی

فهرست مطالب

پیشگفتار	پانزده
مقدمه	نوزده
منشآت خان احمد و اهمیت آن در پژوهش های صفویه شناسی	نوزده
ویژگی های منشآت	بیست
نسخه شناسی منشآت خان احمد	بیست و سه
اهمیت اطلاعاتی نسخه مورد بررسی	بیست و پنج
فهرست اسامی نامه هایی که در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و	بیست و شش
کارکیا خان احمدخان دوم مقتدرترین امیر کیایی بیه پیش و شمال ایران	سی
روابط حکومت خان احمدخان با شاه طهماسب صفوی	سی و یک
روابط شاه طهماسب با دودمان های محلی گیلان و سیاست های وی	سی و دو
خان احمدخان و روابط او با حکومت صفوی پس از آزادی از زندان	چهل
جنگ های خان احمدخان دوم با جمشیدخان اسحاقی	چهل و دو
درگیری های عصر شاه محمد خدا بنده و تأثیر آن بر حکومت خان احمد کیایی	پنجاه
مناسبات خان احمدخان و شاه عباس اول	پنجاه و سه
[منشآت]	۱
رقعه که مجتهد الزمانی میر محمدباقر داماد علیه الرحمه به مرحومی ملا عبدالله	
شوشتری نوشته	۵
ملا محی الدین خلخالی به محتسب اردبیل نبشته	۵

- ۷ محمود بهشتی به درویش امیر نبشته
- ۸ [حاشیه کاتب ذیل متن]
- ۸ منشآت مرحوم خان احمد رقعه که به کمال‌الدین حسین نوشته
- ۸ رقعه که به ملاجلال منجم نوشته
- ۱۱ جواب کتاب میر عطاالله مفتی
- ۱۱ عرضه که ملا عزیز به خان احمد نوشته
- ۱۲ جواب عریضه ملا عزیز منشی
- ۱۳ رقعه که میر مجنون به خان احمد نوشته
- ۱۳ جواب کتابت میر مجنون
- ۱۴ به ملاحسین سالوکده نوشته
- ۱۵ کتابتی که میر عبدالجلیل گوگه به خان نوشته
- ۱۶ جواب کتابت او
- ۱۸ جواب عریضه زیدیه
- ۲۱ رقعه که خان احمد مرحوم به محمدامین خان ولد جمشید خان نوشته
- ۲۳ کتابتی که به کامران میرزای کوهدمی نوشته
- ۲۳ کتابتی که به امیر حمزه خان نوشته
- ۲۴ کتابتی که ملک سلطان محمد رستم‌داری به مغفرت دستگاه خان احمد نوشته
- ۲۵ جواب کتابت ملک سلطان محمد
- ۲۷ رقعه که به حسن خان نوشته نقل از خط خان
- ۲۸ کتابتی که به شیخ نعمت‌الله باهو نوشته
- ۲۹ ایضاً به شیخ نعمت‌الله نوشته
- ۲۹ به حکیم نورالدین محمد گیلانی نوشته
- ۳۰ به حاشیه دستورالعمل وزارت مسیح نوشته
- ۳۰ جواب کتابت خواجه مسیح که از الکاء روم نوشته
- ۳۱ کتابتی که میرجلیل گوگه نوشته
- ۳۲ جواب کتابت او
- ۳۲ کتابتی که به شاهزاده نوشته
- ۳۶ عریضه که به شاه جنت‌مکان علیین آشیان شاه عباس نوشته

۳۸ جواب که شاه جنت مکان نورالله مضجعه نوشته
۴۲ کتابتی که به حسن خان نوشته
۴۲ کتابتی به کمال‌الدین حسین حکیم نوشته
۴۳ کتابتی به خواجه ملاجان (۳۷) نوشته
۴۳ کتابتی که به عبدالرزاق نوشته
۴۴ کتابتی که به یک[سی] از بزرگان نوشته
۴۴ کتابتی که به یکی از بزرگان نوشته
۴۵ کتابتی که به یکی از بزرگان نوشته
۴۵ کتابتی که به یک[سی] از فضلا نوشته
۴۶ ایضاً من مکتوباته
۴۶ کتابتی که به شاهزاده بیکم نوشته
۴۷ کتابتی که به میرزا هدایت‌الله نوشته
۴۸ ایضاً من مکتوباته
۴۸ کتابتی که به ملا شمس‌الدین محمد حکیم نوشته
۴۸ کتابتی که به میرزا خان نوشته
۴۹ کتابتی که به میر روح‌الله نوشته
۴۹ کتابتی که به میر ابوالفتح و حکیم همام در هند نوشته
۵۱ کتابتی که به میر همایون نوشته
۵۱ کتابتی که به میر ابوالفتح نوشته
۵۲ کتابتی که به میر جلیل نوشته
۵۳ ایضاً کتابتی که به میر مشارالیه نوشته
۵۴ کتابتی که به پیر ملا شمس لنگرودی نوشته
۵۵ کتابتی که به ملک جهانگیر پادشاه مازندران نوشته
۵۶ کتابت که به امیرغیب سلطان نوشته
۵۶ کتابتی که به یکی از مقربان پادشاه جنت مکان نوشته
۵۷ کتابتی که به امیر غیب سلطان نوشته
۵۷ کتابتی که به میرعباس نوشته
۵۸ رقعہ که به قلی بیگ عودی نوشته

- ۵۸ رقعه که به شاه ملک سپهسالار نوشته
- ۵۸ رقعه که به شاه قاسم نوشته
- ۵۹ رقعه که به یک از سادات رفیع الدرجات صفویه نوشته
- ۵۹ رقعه که به میرمیران یزدی نوشته
- ۶۰ کتابتی که به میرافضل صدر نوشته
- ۶۰ کتابتی که به خلیل بیک نوشته
- ۶۱ عرضه که شیرعلی فراش نوشته
- ۶۱ کتابتی که به مرشد قلیخان اعتمادالدوله نوشته
- ۶۲ رقعه که به محمدشریف نوشته
- ۶۲ رقعه که به عمه خود نوشته
- ۶۳ رقعه که به مرادخان نوشته
- ۶۴ به مرشد قلیخان نوشته
- ۶۴ رقعه که به امیر حمزه خان نوشته
- ۶۵ کتابتی که به امیر سیاوش نوشته
- ۶۵ کتابتی که به شاهرخ بیک نوشته
- ۶۵ کتابتی که به میرسلطان مراد خان ثانی والی مازندران نوشته
- ۶۶ به خاتم‌المجتهدین شیخ بهاء‌الدین محمد علیه‌الرّحمه نوشته
- ۶۶ کتابتی که به امیرغیب سلطان نوشته
- کتابتی که به مرحوم مرشد قلیخان نوشته در حین که نواب علیه‌عالیه زینب بیکم به
 ۶۷ دیلمان تشریف آورده بودند
- حکم شاه جنّت مکان شاه طهماسب علیه‌الرّحمه که به خان احمد فرستاده
 ۶۸ سنه ۹۷۵
- عریضه که خان احمد به پایه سریر اعلی نوشته ۷۶
- صورت حکم شاه جهانمطاع جنّت آرامگاه شاه طهماسب که در باب گرفتن خان مرحوم به
 اسم معصوم بیک صفوی عز و ورود و شرف صدور یافته ۸۲
- عرضه که به پایه سریر اعلی شاه جنّت مکان در باب مقدمه جمشید خان نوشته ۸۴
- عریضه که به نواب غفران پناه جنّت آرامگاه نوشته ۸۵
- عریضه که به شاهزاده جنّت مکان حمزه میرزا نوشته ۸۶

- ۸۶ بشرح ایضاً
- عریضه که به شاهزاده جنت مکان سلطان حمزه میرزا در باب فتح ترکمان تکلو
 نوشته ۸۷
- کتابتی که شاه جنت مکان شاه اسمعیل ثانی به خان احمد نوشته ۸۸
- سواد منشوری که غفران پناه جنت آرامگاه شاه سلطان محمد به خان احمد نوشته مستمال
 ساخته طلب فرموده اند ۹۰
- عریضه که به پایه سریر اعلی نوشته بوده ۹۰
- عریضه که به پادشاه غفران پناه جنت آرامگاه شاه عباس نوشته ۹۲
- سواد منشوری که پادشاه گیتی ستان علین آشیان شاه عباس نور مرقد در سنه الف که گیلان را
 از خان احمد گرفته بود و خان مرحوم در کشتی نشسته بود نوشته ۹۵
- سواد حکم جهان مطاع که به اهل گیلان به طریق استمالت وقتی که خان احمد به کشتی
 نشسته بود نوشته ۹۷
- سواد مکتوبی که میرزا ابوطالب میرزا به خان احمد نوشته ۱۰۰
- به حسین خان کوهدم نوشته ۱۰۲
- جواب کتابت کامران کوهدمی که خان احمد نوشته ۱۰۴
- آزاد نامه استاد بهار ۱۰۷
- ملاجلال طبیب به نواب غفران پناه نوشته ۱۰۷
- جواب ۱۰۷
- عریضه میرعبدالملک مالفتحانی ۱۰۷
- جواب عریضه او ۱۰۸
- عرضه که ملا آقاجان رمال نوشته ۱۰۹
- جواب عریضه او ۱۰۹
- جوابی که ملا آقاجان نوشته ۱۰۹
- حکم سرکاری سازندها که به محمد مؤمن عودی نوشته ۱۰۹
- حکم معافی استاد خضر شاه صرنائی ۱۱۰
- جواب عریضه استاد شاه قباد خیاط ۱۱۱
- حکم بیک محمود [م-ی] -رشکار ۱۱۱
- جواب عریضه قوالان رودسر که به خواجه کمال رودسری نوشته ۱۱۲

- ۱۱۲ جواب عریضه مردم تیمجان.
- ۱۱۲ عریضه میرعلی کاردرگر که به خان نوشته
- ۱۱۲ جواب عریضه او.
- ۱۱۳ دستورالعمل وزارت ملا میرحسین.
- ۱۱۳ دستورالعملی که به جهت استاد محمد کحال یزدی نوشته
- ۱۱۴ جواب عریضه میرعبدالغنی مشهدی
- ۱۱۵ جواب عریضه پسر ملاتوفیق که بعد از بریدن بینی موجب او را قطع نموده بوده.
- ۱۱۵ جواب عریضه شخصی که نوشته بود که میر اشرف را به خواب دیده ام بعضی چیزها به تو پیغام کرده.
- ۱۱۵ جواب.
- ۱۱۶ عریضه ملاعبدالوامع منشی
- ۱۱۶ جواب عریضه او.
- ۱۱۶ سواد حکم مهاداری ملا میرحسین
- ۱۱۷ در حاشیه حکم او نوشته.
- ۱۱۸ حکمی که بعد از استخلاص از حبس که ثانی الحال گیلان را به او مرحمت نموده بودند و به گیلان فرستاده بود.
- ۱۱۹ حکم وزارت خواجه مرتضی
- ۱۱۹ جواب کتابت ملا میرحسین
- ۱۲۱ حکم وزیرالوزرای خواجه ملاجان
- ۱۲۲ عریضه که شخصی در باب صاحب مرشد نوشته
- ۱۲۲ جواب عریضه او.
- ۱۲۳ جوابی که مولوی نوشته
- ۱۲۴ جوابی که خان مرحوم نوشته
- ۱۲۵ حکم امیرالامرای میرجهانگیر
- ۱۲۶ حکم ترخانی میرجهانگیر
- ۱۲۷ حکمی که در باب همراهی یهودی که مسلمان شده بوده نوشته
- ۱۲۸ سواد عریضه شخصی که به خان نوشته

۱۲۹	جواب فقره که نوشته که از خاطر عاطر محو و نیست شده.....
۱۲۹	ایضاً در جواب فقره که حبس بول موجب امراض است اگر ادرار نکند ممکن که آب یافت نشود.....
۱۳۰	جواب فقره که از بنده عشر طلب نکرده از عشور و زکاة خود حساب کند.....
۱۳۰	کتابتی که به الکساندرخان حاکم گرجستان نوشته.....
۱۳۱	عریضه میرعبدالجلیل گوگه.....
۱۳۱	جواب عرضه میرعبدالجلیل.....
۱۳۳	رقعه که به میرعبدالجلیل نوشته.....
۱۳۴	عدالت‌نامه برای معافی معافان نوشته.....
۱۳۴	تتمه.....
۱۳۵	تتمه.....
۱۳۵	تتمه.....
۱۳۶	رقعه دیگر هوالموصل الی المقصد.....
۱۳۶	جواب او.....
۱۳۶	حکم سرکاری سازنده‌ها که به جهت استاد زیتون نوشته.....
۱۳۸	حکم سپهسالاری تولم که به استاد زیتون داده.....
۱۳۸	حکم شیخ‌الاسلامی عبدالله.....
۱۳۹	حکم که در باب همراهی ملامحمد روضه خان نوشته.....
۱۳۹	حکم مهرداری لاچین غلام.....
۱۴۰	حکمی که در باب استمرار موقوفات ملاعبدالوهاب نوشته.....
۱۴۱	حکم شیخ‌الاسلامی شیخ کرم‌الله که املا فرموده.....
۱۴۱	حکم پیشوای [ی] میرحیدر نامی در سلسله حیدریه.....
۱۴۲	حکم رخصت خواجه علی‌بیک که به کعبه معظمه روانه شود.....
۱۴۲	حکم رستری کیا جلال‌الدین محمد.....
۱۴۳	حکم سپهسالاری گوگه به میرحسین داده.....
۱۴۴	شجره به جهت سیدی نوشته.....
۱۴۵	سفارش‌نامه ملا شمس‌الدین محمد مداح.....
۱۴۵	کتابتی درباره جلال‌الدین حیدر میرزا.....

۱۴۶ حکم املاک میرافضل صدر
۱۴۶ سفارش نامه ملا محمد حافظ
۱۴۹ توضیحات و تعلیقات
۲۱۱ نمایه‌ها
۲۱۳ آیات
۲۱۵ احادیث و عبارات عربی
۲۱۶ اشخاص
۲۲۳ جای‌ها
۲۲۵ کتاب‌ها
۲۲۶ گروه‌ها
۲۲۷ اشعار فارسی
۲۳۱ منابع
۲۳۱ الف. کتاب‌ها
۲۳۵ ب. مقاله‌ها

پیشگفتار

اسناد آرشیوی و نامه‌های تاریخی، در قلمرو پژوهش‌های تاریخی در زمره مهم‌ترین داده‌های ارزشمند پژوهشی به‌شمار می‌روند. علاوه بر آن با توجه به این‌که منابع تاریخی درباره مناطق دورافتاده از مرکز گزارش‌هایی ارائه نکرده‌اند، بر ارزش تاریخ‌های محلی و اسناد منطقه‌ای افزوده می‌شود. گیلان یکی از ایالات مهم و تأثیرگذار در تاریخ ایران از دوره‌های کهن تاریخی تا دوره معاصر بوده است. در دوره باستان و اوایل دوره اسلامی به دلیل نقش قوم دیلم در تحولات سیاسی عصر باستان، بیشتر این سرزمین «دیلمی» خوانده می‌شد. دیلمی‌ها در کوهستان‌های البرز، تالش‌ها از لنکران تا بخشی از نیمه‌های سرزمین بیه‌پس و گیل‌ها در بخش مهمی از جلگه گیلان تا نمک‌آبرود فعلی، به‌طور هم‌زمان زندگی اجتماعی داشتند. از دوره بویه‌یان با ضعف دیلمی‌ها، قدرت‌های گیل سر برآوردند و سراسر سرزمین‌های کوه و جلگه به نام گیلان خوانده شد. با وجود برخورداری از تاریخ طولانی مردمان این پهنه، آگاهی اندکی از فراز و فرودهای تاریخی آنان در دست است.

خوشبختانه درباره تاریخ گیلان در عصر صفوی، منابع تاریخ محلی ارزشمندی برجای مانده است. با این حال، تاریخ‌های محلی این دوره همانند دیگر متون تاریخی هم‌عصر خود تنها برخی حوادث سیاسی را که پیرامون زندگی امیران، به‌ویژه مناسبات سیاسی و نبردهای آنان با حکومت‌های محلی رقیب صورت می‌پذیرفت، گزارش

کرده‌اند. خوشبختانه یادداشت‌هایی از خان احمد گیلانی مشهورترین شخصیت خاندان کیایی گیلان (۹۴۴-۱۰۰۰ ه.ق) باقی مانده است که این یادداشت‌ها با توجه به تنوع موضوع، بیانگر تاریخ فکری و اجتماعی عصر خود می‌باشد. منشآت خان احمد گیلانی به جهت دربرداشتن نامه‌ها و فرامین با محتوای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی و هنری، به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند از دوره پایانی حکومت امیران کیایی به شمار می‌رود. در نتیجه این مآخذ برای شناخت اوضاع فکری و دینی گیلان سده دهم و یازدهم هجری قمری هم اثری ممتاز است. از سوی دیگر، این اثر به لحاظ تنوع محتوایی، منشأ تولید و حوزه جغرافیایی، از ارزش فکری و فرهنگی برخوردار و در زمره تاریخ توده‌ای است.

نسخه منشآت خان احمد گیلانی که به شماره ۹۵۹۶ در کتابخانه مرکزی آستان قدس نگهداری می‌شود،^۱ از نظر ارزش و محتوا، با نسخه‌های دیگر قابل مقایسه نیست؛ زیرا اثر حاضر با دارا بودن بیش از ۱۶۳ نامه کامل‌ترین منشآت خان احمد گیلانی است. تا پیش از انتشار نسخه مورد بررسی، نامه‌هایی پراکنده از امیران کیایی و خان احمد در مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی مرحوم نوایی به چاپ رسیده بود، اما مرحوم فریدون نوزاد در اثری که با عنوان نامه‌های خان احمد گیلانی منتشر کرد، تلاش نمود تا با تصحیح نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به دست آمده و جمع‌آوری برخی نامه‌های پراکنده خان احمد در دیگر کتاب‌ها، ضمن در دسترس قرار دادن محتوای این اسناد برای پژوهشگران، میزان ارزشمندی نامه‌های نسخه را نیز تا حدی مشخص نماید. علاوه بر نکات یاد شده، شیوه تصحیح و بررسی نسخه حاضر به روش تصحیح انتقادی موجود بوده است به گونه‌ای که مصحح در پیوست اثر پس از مطابقت دادن نوشته حاضر که کهن‌ترین منشآت خان احمد به شمار می‌آید تفاوت در نسخ موجود را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. در نتیجه نسخه آستان قدس با نسخه کتابخانه ملک و نسخه دانشگاه تهران و چند نامه و دستخط دیگر که حاوی نامه‌های خان احمد بوده است نیز

۱. متن مورد تصحیح و پژوهش نگارنده بر اساس نسخه منشآت خان احمد گیلانی نگهداری شده در مرکز اسناد و آرشیو آستان قدس رضوی به شماره ۹۵۹۶ است.

از نظر محتوا و نگارش مورد بررسی انتقادی قرار گرفته است. متن حاضر همان‌گونه که گفته شده است بر اساس نسخه آستان قدس رضوی تصحیح شده است. با این حال برای اینکه متن حاضر دربرگیرنده تمامی نسخ و نامه‌های موجود درباره منشآت خان احمد باشد، متن نامه‌ها با مجموعه نامه‌های خان احمد در کتابخانه و موزه ملک به شماره ۳۸۴۶/۴۶ و همچنین متن منشآت خان احمد در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۹۱۵/۳۲۹۹ مطابقت داده شده و مورد تصحیح انتقادی قرار گرفت. لذا برای عدم تکرار، کتابخانه ملک در پانوشته‌ها با عنوان نسخه «م» و نسخه دانشگاه تهران با حرف «ت» مشخص گردیده است. هر چند مجموعه نامه‌های خان احمد در کتابخانه ملک متأسفانه ناقص بوده و تنها شامل چند نامه بوده است. با این حال از نظر نگارش این مجموعه نسبت به نسخه دانشگاه تهران از خط خوش و روانی برخوردار بوده است و همچنین اغلاط آن نیز به مراتب کمتر بوده است.

در پایان لازم است از تمامی عزیزانی که در تکمیل این مجموعه نگارنده را یاری نموده‌اند، سپاسگزاری نمایم. نخست از دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی، رئیس مرکز اسناد و آرشیو آستان قدس رضوی که مجموعه کامل منشآت خان احمد را جهت انجام پژوهش در اختیارم قرار دادند و مرا در انجام این کار تشویق نمودند. از خانم‌ها فرشته رحمانی‌نژاد و رویا نورزاد به جهت محبت‌شان در نمونه‌خوانی، آقای ابوالحسن واعظی و دکتر قربانعلی کنارودی و خانم معصومه حنیفه به جهت کمک در خوانش برخی واژه‌های مهجور و همچنین دکتر مریم شادمحمدی در انجام ویراستاری متن حاضر کمال امتنان را دارم. در ادامه مراتب سپاس و قدردانی‌ام را از دوستان و همکاران محترم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب به‌ویژه جناب آقای دکتر اکبر ایرانی قمی مدیر عامل محترم مؤسسه که زحمت چاپ این گنجینه فرهنگی و تاریخی را بر عهده گرفتند، ابراز می‌دارم.

مقدمه

منشآت خان احمد و اهمیت آن در پژوهش‌های صفویه‌شناسی

منشآت مورد بررسی، نسبت به نامه‌ها و یادداشت‌های دیگری که از خان احمد در آرشیوها و مجموعه‌های مختلف نگه‌داری می‌شود، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این نسخه‌تازه‌یاب، نزدیک‌ترین نسخه به زمان حیات خان احمد بوده و با توجه به دربرداشتن نامه‌های جدید چاپ نشده، برخی از زوایای تاریخ گیلان در دوره صفویه را بازگو می‌کند. همچنین در این نامه‌ها می‌توان به زوایای پنهان اوضاع دینی و فکری عصر یاد شده، آگاه شد، علاوه بر یادداشت‌های خان احمد، رساله‌ای نیز در قلمرو علم پزشکی و گیاهان دارویی تحت عنوان رساله‌ عین الفیوض اثر احسن خواجه‌کی بن مسعود بن ابراهیم خلجی در متن منشآت توسط کاتب گنجانده شده است. هرچند از انگیزه و دلیل این اقدام توسط کاتب آگاهی زیادی در دست نیست، با این حال، این بخش با وجود تصحیح آن توسط مصحح به جهت این که سنخیتی با متن منشآت نداشت، در متن نهایی حذف شده است.

به دلیل اهمیتی که اسناد حاضر در بررسی و پژوهش‌های مربوط به گیلان عصر صفوی دارد، تاکنون منبع اصلی بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته است و انتظار می‌رود با چاپ اثر کامل حاضر، پژوهشگران عصر صفوی و مطالعات گیلان‌شناسی بهره‌های علمی فراوانی از این کتاب حاصل نمایند. بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که جدا از پژوهش‌هایی مانند: بازتاب مذهب گیلان عصر صفوی در اسناد خان احمد

گیلانی (پناهی، ۱۳۹۳)، کارکرد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کیابیان در گیلان (پناهی، ۱۳۹۳) و همچنین کتاب جایگاه و نقش گیلان در اقتصاد عصر صفوی (عبداللهی، ۱۳۹۲)، نامه‌های خان احمد چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته و محتوای اطلاعاتی آن با توجه به سایر منشآت و یا حوادث رخ داده، راست‌آزمایی نشده است. البته شاید یک دلیل این مسأله، دشواری پژوهش‌های اسناد آرشیوی باشد. با این حال، به جهت این‌که سطر به سطر اسناد آرشیوی حاوی داده‌های ارزشمندی است، منشآت حاضر می‌تواند در پژوهش‌های آینده در حوزه گیلان‌شناسی و صفویه‌پژوهی نکات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران قرار دهد. زیرا پیوند فکری، سیاسی و نظامی گیلانیان با صفویان به‌ویژه در دوره آوارگی اسماعیل میرزا و بعدها نیز تا پایان حکومت صفویه انکارناپذیر است.

ویژگی‌های منشآت^۱

یک دسته از مجموعه منشآت که جنبه‌های ادبی و زبان‌شناختی آن‌ها بر جنبه‌های دیگر برتری دارد، کتاب شرفنامه (شامل مجموعه‌ای از مکاتبات و منشآت دیوانی و اداری در نیمه دوم قرن دهم هجری، در ایالت فارس و لارستان و نواحی جنوبی ایران) است. نویسنده این کتاب روح‌الله لاری شیرازی متخلص به «فتوحی»، از منشیان عصر صفوی است. این مجموعه، منشآت است که مکاتبات، منشورات، احکام، پروانجات، عرایض و رسایل دوران حکومت «ابراهیم‌خان ذوالقدر» از ۹۴۷ تا ۹۶۲ ق. / ۹۱۹ تا ۹۳۳ ش، «شاه‌ولی سلطان ذوالقدر» ۹۶۶ تا ۹۷۸ ق. / ۹۳۷ تا ۹۴۹ ش. و «ولی سلطان قلخانچی ذوالقدر» ۹۷۸ تا ۹۸۵ ق. / ۹۴۹ تا ۹۵۶ ش. در ایالت فارس را شامل می‌شود. فتوحی، شرفنامه را بر مقدمه و پنج مقاله و خاتمه تقسیم نموده است. مقدمه آن کوتاه و در باب «معنی انشا و قاعده املای و آداب مکاتبات» است. مقاله اول آن با عنوان «در نوشتن عرضها» مشتمل بر دوازده مکاتبه است و مقاله دوم با عنوان «از حکام به حکام و اعالی به اعالی، و اعالی نسبت به ادانی» شامل بیست و شش نامه و مقاله سوم با عنوان

۱. بخش زیادی از ویژگی‌های منشآت خان احمد، یادداشت‌های دوست‌گرامی ام‌دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی است که جهت پربار شدن پژوهش حاضر سخاوتمندانه در اختیار بنده قرار داده است.

«از جانب اکابر عالی‌مراتب به اعلی‌مراتب و ادنی‌مراتب» دربردارنده‌ی سی و سه مکاتبه و مقاله چهارم با عنوان «مکاتبات اعیان به خدمت حکام عالی‌شان» شامل چهارده نامه است و مقاله پنجم با عنوان «از اخوان‌الصفاء و ارباب محبت و وفا به امثال و اکفا» مشتمل بر هفت نامه است و خاتمه‌ای تحت عنوان «در منشورات و مکتوبات و احکام مختلفه» مشتمل بر دو فصل است که فصل اول «در منشورات و مکتوبات متفرقه» نام‌گذاری شده و شامل نه نامه، و فصل دوم «در احکام» مشتمل بر هفت حکم است. پس از آن تحت عنوان «مقطعات» شش قطعه در موضوعات مختلف آمده است.¹

طبقه دیگری از منشآت، برای آموزش فن کتابت و نویسندگی و طرز نامه‌نگاری تألیف شده، مانند منشآت سلیمانی که در فن ترسل و نامه‌نگاری و آئین نگارش از آن جهت که به فرمان سلطان صفوی و توسط منشیان دبیرخانه وی تنظیم و نگارش یافته، حائز اهمیت است. منشآت سلیمانی به پانزده باب به شرح ذیل تقسیم شده است:

باب اول: در دستور معمول درگاه معلی در باب احکام و مناشیر به هر یک از طبقات انام و القاب که به چه قاعده معمول است.

باب دوم: در دستورالعمل شجره و احکام و ارقام و نوشتجات و امثال آن که از دیوان اعلی نوشته می‌شود.

باب سوم: در مهرهای مبارک که هر یک متعلق به کدام نوشته‌جات است.

باب چهارم: در دستور مکاتب اشرف به مخدرات اقوام و اولاد عالی‌مقام اشرف.

باب پنجم: در کتابات متعارفه که ارباب دولت و غیرهم به یکدیگر بنویسند.

باب ششم: در مکاتیب اوساط‌الناس به یکدیگر.

باب هفتم: در مکاتیب سایرالناس که عارف به آداب نوشتجات نیستند.

باب هشتم: در اشعار مناسب مطالب که به آن اکتفا می‌شود و احتیاج به مکاتبه نیست.

باب نهم: در مفردات القاب و فقرات اصلیه آن...

باب دهم: در مصدرات اسامی.

باب یازدهم: در مضافات القابیه ولایات و مضافات اعدا و اجناس و غیره.

باب دوازدهم: در قانون کیفیت تحریر مراسلات و امور متعلقه به آن.

باب سیزدهم: در صناعات که سخن را به رعایت آن بلاغت و فصاحت و ملاححت

افزاید.

باب چهاردهم: در نوشتجات شرعیه.

باب پانزدهم: در باب املا و قواعد سخنوری و خط.^۱

و دسته دیگری از منشآت که دربرگیرنده مکاتبات و نامه‌ها، صورت اسناد دولتی و احکام و وقف‌نامه‌ها بوده و در زمره مهم‌ترین منابع تاریخی به‌شمار می‌آیند؛ مانند منشآت تفرشی محمدحسین فضل‌الله حسینی تفرشی که از منشیان دوره صفوی است. این کتاب در چهار بخش اطلاعات و نامه‌هایی دوستانه (اخوانیات)، نامه‌های دیوانی (حکومتی)، عرایضی به پادشاه و مطالب متفرقه را بیان می‌کند.

«اخوانیات» بیشترین حجم این اثر را به خود اختصاص و در این اثر نام اغلب دولتمردان و شخصیت‌های سیاسی گذشته جای دارد. این اثر از جنبه تاریخی و شناخت رجال پیشین اهمیت فراوانی دارد.

یکی از ویژگی‌های اثر حاضر کاربرد اصطلاحات عرفانی در نامه‌های نخستین منشآت است. در چند نامه اولیه مباحث و دیدگاه‌های عرفانی و صوفیانه خان احمد در متن نامه‌ها استفاده شده که این مسأله نشانه دیدگاه‌های عارفانه و آگاهی وی به رموز عرفان و تصوف است.

منشآت خان احمد گیلانی در میان این منشآت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به نظر می‌رسد که می‌توان آن را در ردیف طبقه سوم قرار داد. این منشآت به لحاظ دارا بودن محتوای متنوع سیاسی و اداری و نامه‌های اخوانیات از اهمیت برخوردار است و در عین حال، ارزش محلی و منطقه‌ای نیز دارد و درباره روابط بین خاندان‌های گیلان و اصطلاحاتی که در این منطقه رایج بوده واجد ارزش بررسی است. این منشآت مانند

منشآت سلیمانی با دستور خاصی نوشته نشده، در نتیجه نام نویسنده و کاتب اثر پنهان مانده است و هیچ اثری از او در متن و یا خاتمه کتاب دیده نمی‌شود. البته در ذیل یکی از یادداشت‌ها کاتب پس از اتمام نامه تاریخ کتابت را شهر شوال سال ۱۱۰۶ ه. ق می‌نویسد و دو اسم پای این نوشته به چشم می‌خورد. وی می‌نویسد: «این نوشتم بماند روزگار. یادگار میرزا اسمعیل ولد مرحوم میرزا جعفر» و در ادامه نیز می‌نویسد «این نوشتم بماند روزگار. یادگار میرزا محمدحسن ولده آقا عبداللّه ادم اللّه آقا سید محمدباقر» با این حال مشخص نیست کدام یک از شخصیت‌های نام برده شده، کاتب اصلی متن حاضر است. با این حال همانگونه که اشاره شد در پایان متن اصلی نیز عبارت «تحریراً شهر محرم الحرام سنه اربع تسعین و تسعمانه» (۹۹۴ ه. ق) آمده است. و نشان می‌دهد در یک دوره زمانی طولانی و توسط چند کاتب نوشته شده است.

نسخه‌شناسی منشآت خان احمد

منشآت خان احمد به صورت پراکنده در کتابخانه‌های بزرگ ایران وجود دارد. با این حال، تمامی این نسخه‌ها ناقص بوده و یا این‌که تاریخ کتابت آن مربوط به دوره قاجار است. اما کهن‌ترین و کامل‌ترین نسخه موجود از منشآت خان احمد، نسخه مورد بررسی حاضر است. کتابی که توسط مرحوم نوزاد در سال ۱۳۷۳ ش به چاپ رسیده است، نسخه خطی شماره ۹۱۵ ب / ۳۲۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در ۷۷ صفحه است. کتاب شامل ۹۸ نامه، ۷۷ نامه از خان احمد و ۲۱ نامه دیگر و ده نامه از دیگر منابع افزوده شده است. نسخه با خط نستعلیق و مختلف‌السطر بوده و توسط محمد بن ملا خلیل در سال ۱۱۸۳ ه. ق کتابت شده است. در نسخه مشخص نشده که آیا به دستور فرد خاصی بوده و یا خیر و این‌که از روی چه نسخه و در کجا نگارش شده است؟^۱ مصحح کوشیده تا با اضافه کردن تعلیقاتی مانند توضیح زندگی رجال و برخی اصطلاحات اداری و اماکن در انتهای کتاب، محتوای منشآت را کامل نماید و در این زمینه

اساس کار را بر رجال‌نگاری قرار داده و به برخی وقایع در ذیل آن اشاره می‌نماید. نوزاد نامه‌هایی را که توانسته به صورت مشترک از چندجا جمع‌آوری نماید، با یکدیگر مقایسه نموده و تفاوت‌های آن‌ها را در انتها ذکر کرده است.

نسخه‌ای که در حال حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد، نسخه شماره ۹۵۹۶ آستان قدس است. برای اولین بار استاد ایرج افشار در مقدمه کتاب آقای نوزاد به آن اشاره نموده است. این نسخه در یک مجموعه عربی و فارسی شامل ۲۴۸ صفحه نگه‌داری می‌شود که توسط خان‌بابا مشار در سال ۱۳۴۶ ش وقف کتابخانه شده است. منشآت خان احمد گیلانی در ۶۵ صفحه بین صفحات ۲۳۳ تا ۳۰۹ نسخه قرار دارد. بین صفحات ۲۹۵ تا ۳۰۶ نسخه دیگری دیده می‌شود و بعد از آن صفحه انتهایی منشآت آمده است. خط نسخه، نستعلیق مختلف‌السطر و معمولاً در هر صفحه ۵۲ خط در سه جهت مختلف نوشته شده است. تعداد کل نامه‌ها با رساله عین‌الفیوض ۱۶۴ عدد است که از چند خط تا چند صفحه را دربر می‌گیرد. خط نسخه خوش بوده و اصول خطاطی در آن رعایت شده و در تمام آن به یک شکل نوشته شده است. نسخه شروع مشخصی ندارد و در گوشه بالای آن آمده که منشآت خان احمد گیلانی است. در انتهای آن نیز انجام خاصی ندارد، با این حال اتمام نگارش منشآت سال ۹۹۴ هـ. ق ذکر شده است. در حالی که در برگ سوم منشآت کاتب تاریخ کتابت را سال ۱۱۰۶ هـ. ق قید نموده است. این تفاوت تاریخ‌ها نشان می‌دهد که متن مورد بررسی توسط چند کاتب نگارش شده است. بنابراین به نظر می‌رسد، نگارش این مجموعه از ۹۹۴ هـ. ق آغاز شده و سرانجام در سال ۱۱۰۶ هـ. ق به پایان رسیده است. دلیل این زمان طولانی برای نگارش منشآت خان احمد مشخص نیست. شاید به جهت این که متن آن از نامه‌های متعددی تشکیل شده است و با پیدا شدن هر نامه، به متن افزوده می‌شد. این نکته در شیوه نگارش و تفاوت‌هایی که در نگارش اثر به چشم می‌خورد، تأییدکننده این فرضیه است.

با توجه به تغییر شیوه نگارش و کتابت که گاه تعلیق و گاه شکسته در نگارش متن استفاده شده است، به نظر می‌رسد دو یا سه کاتب منشآت را تدوین کرده باشند. در

مجموع به لحاظ نسخه‌شناسی نسخه مورد معرفی نسبت به نسخه چاپ‌شده نوزاد به دلایل: الف) نزدیکی زمانی بیشتر به دوره زندگانی خان احمد، ب) تعداد اسناد بیشتر و ج) خط بسیار روان و خوش از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اهمیت اطلاعاتی نسخه مورد بررسی

در منشآت چاپ‌شده خان احمد تعداد ۹۸ نامه از اصل نسخه و ۱۰ نامه متفرقه آمده است. از ۱۶۴ نامه مورد بررسی در نسخه حاضر، تعداد ۳۰ نامه دریافتی و ۱۳۱ نامه صادره است. از ۱۳۱ نامه صادر شده تعداد ۶ نامه از پادشاهان، ۴۶ نامه شاهزادگان و حکام و ۷۹ مورد طبقات دیگر اجتماعی و ۲۶ حکم از سوی خان احمد است. از ۳۰ نامه دریافتی ۶ مورد حکم، ۶ نامه رفت و برگشت، ۲ نامه سه بار و یک نامه ۴ بار رفت و برگشت داشته است. علاوه بر این رساله‌ای کوتاه به نام عین‌القیوض در زمینه علم پزشکی که در اواخر نسخه حاضر کتابت شده است.

به لحاظ سنجش اثر و میزان مغایرت‌های آن با کتاب چاپ‌شده، تمام نامه‌ها با یکدیگر مقایسه گردیده، و تطبیق محتوایی داده شده است. علاوه بر آن، سه نامه از نسخه خطی با نسخه‌های خطی دیگر مقایسه شد تا صحت بیشتری بر اصالت نسخه مورد بررسی گذاشته شود.

در مجموع در بررسی تطبیقی نامه‌ها موارد زیر قابل ذکرند:

الف) در محتوای اصلی نامه‌ها خدشه‌هایی وارد نشده است و در غیر چند مورد سند از جمله نامه خان احمد به شاه طهماسب که برخی تغییرات در زمینه جافتادگی جملات، ناهمخوانی برخی کلمات و تغییر برخی حروف اضافه مشاهده می‌شود،^۱ سایر مغایرت‌ها در حد چند کلمه غیر قابل اعتنا هستند.

ب) از تفاوت‌های عمده در محتوا، درباره جملات عربی است. جملات عربی نسخه مورد بررسی در بسیاری از نامه‌هایی که در آن عربی به کار رفته نسبت به منشآت چاپ‌شده کامل‌تر است.

ج) نقش کاتب را در برخی تغییرات در دو نسخه مورد بررسی نباید نادیده گرفت. سلیقه کاتبان برای به کار بردن برخی کلمات و یا لحن رایج هر دوره تا حدی بر ساختار نگارشی منشآت تأثیر دارد و این درباره دو نسخه قابل بررسی است.

د) در نامه‌هایی که با نسخه‌های خطی دیگر در دوره صفویه نیز مقایسه گردید، تفاوت محتوایی چندانی ندارد و حتی عربی‌های آن نیز مشابه یکدیگر است. به عنوان نمونه، در نامه‌های در جواب «عریضه زیدیه» و یا «در جواب» عریضه شاه طهماسب که در نسخه ۷۴۵۵۴ مجلس در صفحه ۵۷ تا ۵۹ آمده مغایرت محتوایی خاصی مشاهده نگردید. نکته جالب درباره این نسخه که در انتهای نامه زیدیه ذکر شده: «کتابه احمد غلام؛ عمله خزانه از روی نسخه مرحوم حیدربیک که حالا در نزد من و مالکم از برای مرحوم حسینقلی خان شاملو قاسم دیوانه از برای وی نوشته و کتاب بسیار خوبی است»^۱. در منشآت فریدون‌بیک نامه‌هایی از شاه سلیمان عثمانی به خان احمد در تحقیق مرگ شاه اسماعیل دوم آمده است.^۲ با وجود اهمیتی که نسخه یاد شده دارد، اما با توجه به متن منشآت به نظر می‌رسد کاتب سهوهای زیادی در نگارش منشآت مرتکب شده است. از این رو اغلاط املائی متعددی در متن نامه‌ها دیده شده است و مصحح تلاش نموده است تا با کمک فرهنگ‌ها و تطبیق جمله‌ها نگارش و تصحیح نزدیکی به اصل متن ارائه دهد.

فهرست اسامی نامه‌هایی که در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملک دیده نمی‌شود:

[رقعه که به کمال‌الدین حسین نوشته]

[رقعه که به ملا جلال منجم نوشته]

[جواب کتاب میر عطاءالله مفتی]

[عریضه که ملا عزیز به خان احمد نوشته]

- [جواب عریضه ملا عزیز منشی]
- [رقعه که میرمجنون به خان احمد نوشته]
- [جواب کتابت میرمجنون]
- [به ملا حسین سالو کده نوشته]
- [کتابی که میرعبدالجلیل کوکه به خان نوشته]
- [جواب کتابت او]
- [جواب عریضه زیدیه]
- [رقعه که خان احمد مرحوم به محمد امین خان ولد جمشید خان نوشته]
- [کتابتی که به کامران میرزای کوهدمی نوشته]
- [کتابتی که ملک سلطان محمد رستم داری به مغفرت دستگاه خان احمد نوشته]
- [کتابتی که به امر حمزه خان نوشته]
- [جواب کتابت ملک سلطان محمد]
- [رقعه که به حسن خان نوشته نقل از خط خان]
- [کتابتی که به شیخ نعمت الله یا هو نوشته]
- [ایضاً به شیخ نعمت الله نوشته]
- [به حکیم نورالدین محمد گیلانی]
- [به حاشیه دستور العمل وزارت مسیح نوشته]
- [جواب کتابت خواجه مسیح که از الکا روم نوشته]
- [کتابتی که میرجلیل کوکه نوشته]
- [جواب کتابت او]
- [کتابتی که به شاهزاده نوشته]
- [کتابتی که به حسن خان نوشته]
- [کتابتی که به حسن خان نوشته]
- [کتابتی که به خواجه ملاجان نوشته]

- [کتابتی که به عبدالرزاق نوشته]
- [کتابتی که به یکی از بزرگان نوشته]
- [کتابتی که به یکی از بزرگان نوشته]
- [کتابتی که به یکی از فضلا نوشته]
- [کتابتی که به شاهزاده بیگم نوشته]
- [کتابتی که به میرزا هدایت‌الله نوشته]
- [ایضاً من مکتوباته]
- [کتابتی که به ملا شمس‌الدین محمد حکیم نوشته]
- [کتابتی که به میرزا خان نوشته]
- [کتابتی که به میر روح‌الله نوشته]
- [کتابتی که به میر جلیل نوشته]
- [کتابتی که به ملا شمس لنگرودی نوشته]
- [کتابتی که به امیر غیب سلطان نوشته]
- [کتابتی که به یکی از مقربان پادشاه جنت‌مکان نوشته]
- [کتابتی که به میر افضل صدر نوشته]
- [جواب عریضه شیرعلی فراش]
- [رقعه که به محمد شریف نوشته]
- [کتاب که به امر سیاوش نوشته]
- [کتابتی که به امیر غیب سلطان نوشته]
- [عریضه که به پادشاه غفران‌پناه جنت‌آرامگاه شاه عباس نوشته]
- [جواب عریضه میر عبدالغنی مشهدی]
- [عریضه ملا عبدالواعم منشی]
- [جواب عریضه او]
- [جواب عریضه میر عبدالجلیل کوکه]

[رقعه که به میر عبدالجلیل نوشته]

[کتابتی درباره جلال‌الدین حیدر میرزا]

[عدالت‌نامه برای معافی معافان نوشته]

[رساله عین‌الفیوض]

علاوه بر این نامه‌ها که در نسخه ملک و نسخه دانشگاه تهران دیده نمی‌شود، برخی از نامه‌ها در نسخه دانشگاه تهران به جهت آب‌خوردگی و مسائل دیگر محو و ناخوانا است در حالی که تمامی منشآت نسخه مورد بررسی خوانا و با خط خوش نوشته شده و در تصحیح نهایی متن حاضر آمده است.

تصحیح و پژوهش حاضر نخستین کوشش علمی در زمینه منشآت خان احمد گیلانی نیست. زیرا سال‌ها پیش مرحوم عبدالحسین نوایی برخی از نامه‌ها و منشآت خان احمد گیلانی را در مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا پایان شاه عباس آورده است. مرحوم نوایی با تکیه بر اسناد آرشیوی دانشگاه تهران و کتابخانه موزه ملک بر اسناد مورد اشاره دسترسی یافته و به تصحیح برخی از این اسناد به همراه اسناد عصر صفوی همت گماشت. بعدها مرحوم نوزاد با جمع‌آوری این اسناد و اسناد دیگری که از افراد متعدد به دست آورد، و همچنین ضمیمه نمودن اسنادی از سادات کیایی که مرحوم نوایی در اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا پایان شاه عباس اول آورده است، کتاب نامه‌های خان احمد گیلانی را به چاپ رساند. مرحوم نوایی در جلد مربوط به شاه طهماسب صفوی ۸ نامه که بین شاه طهماسب و خان احمد گیلانی رد و بدل شده، تصحیح نموده است. از این نامه‌ها می‌توان به: «کتابت میرجلیل قاری کوکه به خان احمد گیلانی»، «جواب کتابت میرجلیل»، «نامه خان احمد به استاد زیتون»، «مکتوب خان احمد به ملا عبدالله»، «مکتوب، جواب ملا عبدالله»، «منشور شاه طهماسب به خان احمد گیلانی»، «جواب خان احمد گیلانی»، «نامه شاه اسماعیل ثانی به خان احمد گیلانی»، «نامه شاه محمد خدابنده به خان احمد گیلانی» و «کتابت ابوطالب میرزا به خان احمد گیلانی» اشاره کرد. و در جلد مربوط به شاه مکاتبات عصر شاه عباس اول نیز: دفتر اول، «نامه ابوطالب میرزا

به خان احمد گیلانی»، «نامه سلطان محمد خدابنده به کامران میرزا کهدمی»، «نامه سلطان محمد خدابنده در باب میرزا کامران»، «نامه خان احمد به کامران میرزا» و در دفتر دوم نیز: «نامه شاه عباس به خان احمد» دو مورد و یک مورد نیز: «نامه خان احمد به شاه عباس» آمده است. با وجود اشاره اغلب صفوی پژوهان و نسخه شناسان به اثر جامع و با اهمیت منشآت خان احمد گیلانی موجود در آستان قدس رضوی، تاکنون این اثر تصحیح نشده بود.

کارکیا خان احمد خان دوم مقتدرترین امیر کیایی بیه پیش و شمال ایران (۹۴۴-۱۰۰۰ ه.ق / ۹۱۶-۹۷۰ ه.ش)

خان احمدخان گیلانی و یا به تعبیر صحیح تر خان احمد دوم، آخرین کارکیای سلسله کیاییان گیلان و یکی از مقتدرترین امیران محلی در تاریخ محلی این سرزمین پس از اسلام به شمار می آید که دورانی طولانی بر بخش های پهناور از این سرزمین و در دوره ای نیز بر تمامی سرزمین های دارالمرز یعنی گیلان و مازندران حکمرانی کرد. خان احمد گیلانی امیری نگون بخت بود که در دوره دو پادشاه قدرتمند صفوی یعنی شاه طهماسب و شاه عباس اول می زیست. در نتیجه، زیستن و فرمانروایی در سایه این فرمانروایان سخت کوش که توانسته بودند سلاطین عثمانی را به زانو در آورند، بسیار سخت و دشوار بود و فرجام خان احمد گیلانی در برابر شاه عباس صفوی نتیجه دور از انتظاری نبود که برای وی در تاریخ این دوره رقم خورد. با پایان یافتن حکومت خان احمد گیلانی به عمر سلاطین محلی در شمال ایران خاتمه داده شد و سرزمین گیلان وارد مرحله جدید حیات تاریخی خود گشت. با این حال، این برتری طلبی صفویان بر سرزمین گیلان چندان آسان برایشان تمام نشد.

خان احمد گیلانی هنگامی که سلطان حسن در سال ۹۴۳ ه.ق / ۹۱۵ ه.ش درگذشت تنها یک سال بیشتر عمر نداشت، که توسط یکی از سپهسالاران مقتدر تاریخ دودمان امیران کیایی به نام امیره عباس سپهسالار که به گفته حسن بیک روملو «صاحب

اختیار بود»، با توجه به قدرت نظامی‌ای که داشت، خان احمد یک‌ساله را فرمانروای بیه‌پیش نمود. اما برخی از درباریان آل‌کیا از فرمانروای خردسال تمکین نکردند و برای خوش‌خدمتی به دربار صفویه، خواهان مداخله شاه طهماسب در امور گیلان شدند. «خورکیای طالقانی» پیش از خان احمد دوم وکیل سلطان حسن بود. او برای یافتن پایگاه سیاسی و اجتماعی و از میدان به‌در نمودن امیره عباس - که قدرت سیاسی و نظامی را به دست گرفته بود - به دربار شاه طهماسب صفوی رفت و او را تشویق به تصرف گیلان نمود.^۱ در نتیجه، دعوای سرداران و درباریان خاندان کیایی موجب باز شدن پای صفویان در امور داخلی گیلان شد. این مسأله بهانه‌ای بود که شاه طهماسب به دنبال ایجاد چنین فضایی برای مداخله در امور گیلان در پی آن می‌گشت.

روابط حکومت خان احمد خان با شاه طهماسب صفوی

با آن‌که از خان احمد دوم به عنوان مقتدرترین امیر کیایی یاد می‌شود، اما وی در طول حیاتش با دشواری‌های داخلی و خارجی متعددی دست به‌گریبان بوده و اغلب دوران حیاتش در آوارگی زیست. نابسامانی اوضاع گیلان به‌ویژه پیش از شورش مردم علیه بهرام میرزا سبب شد تا شاه طهماسب برای تسلط بر اوضاع بیه‌پیش و بیه‌پس فردی از دودمان کیایی را بر حکومت لاهیجان انتخاب کند.

شاه طهماسب پس از انتصاب خان احمد به حکومت بیه‌پیش به منظور نظارت بیشتر بر اوضاع گیلان، بیه‌پس را ضمیمه قلمرو وی نمود.^۲ هدف شاه طهماسب از الحاق بیه‌پس به قلمرو آل‌کیا، کنترل بر مناطق غربی گیلان از آستارا تا کوچصفهان بود. سپهسالاران و نظامیان آل‌کیا از این اقدام شاه صفوی خرسند بودند و با توجه به این شرایط پدیدآمده، در سال ۹۴۶ هـ. ق / ۹۱۸ هـ. ش سرافراز سلطان چپکوند بر بیه‌پس تاخت و در جنگی که در سیاه‌رودبار به وقوع پیوست توانست شش هزار تن از سپاهیان بیه‌پس را به همراه سپهسالار نامی آن‌ها «امیره سلطان محمد» به قتل رساند. سپاه بیه‌پیش بعد از این فتح

۱. روملو، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۷۹؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۸۶.

۲. قباد الحسینی، خورشاه، ۱۳۷۹: ۲۲۱.

بزرگ رشت را به تصرف خود درآوردند. آن‌ها به تلافی غارت‌هایی که سپاه بیه‌پس در گذشته علیه بیه‌پس انجام داده بود، از هیچ کاری فروگذاری نکردند. پس از پایان یافتن غارت رشت و نواحی مجاور آن، سپاه بیه‌پس به لاهیجان بازگشت و نتایج عمده‌ای کسب نکرد. اهالی بیه‌پس به جهت ظلم و ستمی که آل کیا در لشکرکشی اخیر خود مرتکب شده بودند، به منظور دفاع از سرحدات خود، یکی از خویشاوندان امیره حسام‌الدین اسحاقی را به نام «امیره شاهرخ» که در خلخال می‌زیست، یافتند و او را در سال ۹۵۰ ه. ق / ۹۲۲ ه. ش، به تخت حکمرانی بیه‌پس در فومن گماشتند تا شاید او بتواند آرامش را به بیه‌پس بازگرداند.^۱

روابط شاه طهماسب با دودمان‌های محلی گیلان و سیاست‌های وی

امیره شاهرخ پس از دستیابی بر حکومت بیه‌پس به گفته فومنی به روش سلاطین سابق گیلان به تنظیم امور پرداخت. اقدامات او سبب رونق اجتماعی و اقتصادی بیه‌پس گردید، به طوری که درباریان خان احمد از افزایش قدرت او احساس خطر نمودند و خان کیایی را ترغیب کردند تا «... مکرراً عرضه داشت در باب غیبت و بدگوئی امیره شاهرخ و استیصال خاندان اسحاقیه به شاه طهماسب نوشته بود...».^۲

نامه‌ها و سفارش‌های مخالفت‌آمیز خان احمد به شاه طهماسب، تأثیر خود را بر جای نهاد و شاه از امیره شاهرخ درخواست نمود به تبریز نزد وی برود. امیره شاهرخ که از اهمیت این موضوع بی‌خبر بود به گمان این‌که بتواند با رشوه شاه را تطمیع نموده و موافق خود گرداند به تبریز رفت، اما برعکس اندیشه‌هایش، شاه طهماسب او را در تبریز نگاه داشت و اجازه بازگشت به بیه‌پس را نداد. امیره شاهرخ که از وضعیت سرگردانی خود مستأصل شده بود، پس از هفت ماه آوارگی مخفیانه از تبریز به عزم فومن فرار کرد، اما در میانه راه دستگیر شد و به جرم خیانت علیه شاه و به دلیل فرارش کشته شد.^۳

۲. همان.

۱. فومنی، ۱۳۴۹: ۲۸-۳۱.

۳. همان: ۳۲.

درباره علل بی‌توجهی و روی‌گردانی شاه طهماسب از حاکمان بیه‌پس و توجه به آل کیا در این زمان نمی‌توان اظهار نظر درستی ارائه کرد، اما با توجه به سیر حوادث تاریخی حکومت صفویه و بررسی اوضاع و دودمان‌های آل کیا و اسحاقیه می‌توان به دو نکته اساسی اشاره نمود؛ دودمان اسحاقیه در عصر شاه طهماسب آزار زیادی به وی رساندند. در هنگام لشکرکشی عثمانی‌ها به خاک ایران (در عصر شاه سلیمان عثمانی)، امیره دباچ (مظفر سلطان) با سپاه خود به پیشوازشان شتافت و حتی با ازبکان و دیگر مخالفان شاه طهماسب ارتباط برقرار کرده بود.^۱ بنابراین شاه طهماسب خاطره خیانت دودمان اسحاقیه را در ذهن داشت، از این رو خواهان قدرت‌گیری فردی از دودمان اسحاقیه نبود. عامل دیگر، تضاد مذهبی حکومت صفوی با حاکمان اسحاقیه بود که هنوز بر باور اهل سنت بودند. در منابع تاریخی این دوره هنوز اشاره‌ای به تغییر مذهب بیه‌پس نشده است. با توجه به این‌که شاه طهماسب و مشاوران خاصه‌اش همچون عبدالعادل کرکی (د: ۹۴۰ ه. ق / ۹۱۲ ه. ش) شیعه متعصبی بود، گرایشی نسبت به حاکمان سنی مذهب نداشتند. منابع تاریخی عصر شاه طهماسب، نمونه‌های زیادی از برخورد نامناسب او با حاکمان سنی را در تاریخ ثبت کرده‌اند.^۲ با توجه به نکات یاد شده، شاه طهماسب تمایل زیادی به ایجاد ارتباط و افزایش قدرت آل کیا داشت. این دودمان نقش زیادی در تاج‌بخش نمودن صفویه داشتند و از سوی دیگر، از سال ۹۳۲ ه. ق / ۹۰۴ ه. ش آل کیا «ترک طریق زیدی» کردند و به کیش تشیع گرویدند.^۳ قرابت مذهبی نیز سبب شد تا شاه طهماسب توجه زیادی نسبت به کیاییان داشته باشد. هرچند دلایل یاد شده بخشی از انگیزه‌های شاه طهماسب را در ایجاد ارتباط و یا قطع آن با دودمان‌های محلی بیان می‌کند، اما با این حال، این پرسش مطرح می‌شود که چرا شاه طهماسب با توجه به مخالفت سیاسی و مذهبی‌ای که با دودمان اسحاقیه داشت این حکومت را منقرض نکرد؟ پاسخ به این پرسش را باید در درک سیاسی حکومت صفویه

۱. قباد الحسینی، خورشاه، همان: ۲۲۳.

۲. ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۶۲؛ رای، ۱۳۸۳: ۵۲؛ یوسف‌جمالی، ۱۳۸۵: ۵۷۶.

۳. رابینو، ۱۳۷۴: ۴۹۲.

از حاکمیت‌های محلی شمال ایران از دوره شاه اسماعیل تا عصر شاه عباس اول جستجو نمود. شاه اسماعیل پس از این‌که مدعیان داخلی را سرکوب کرد، با حکومت‌های گوناگون شمال ایران مدارا کرد. حکومت آل کیا هرچند نقش زیادی در تعمیم مذهب تشیع و سیر سیاسی مذهبی صفویه داشت، اما شاه اسماعیل در راستای سیاست‌های کلان کشوری خود با آل کیا برخورد کرد. مهم‌ترین عامل اتخاذ این تصمیم توسط شاه طهماسب، ایجاد موازنه سیاسی قدرت در بین حکومت‌های محلی شمال ایران بود. در صورت حذف یک قدرت محلی بر قدرت حکومت دیگر افزوده می‌شد، بنابراین شاه اسماعیل و شاه طهماسب هرچندگاهی با یکی از این دودمان‌ها دشمنی می‌ورزیدند، اما پس از ایجاد تغییراتی اندک با کمک‌هایی که به آن‌ها می‌کرد، سعی داشتند به موازنه سیاسی و نظامی بیه‌پیش و بیه‌پس لطمه‌ای وارد نگرند؛ به گونه‌ای که حکومت رقیب از قدرت بیشتری برخوردار نشود.

با کشته شدن امیره شاهرخ در سال ۹۵۸ ه. ق / ۹۲۹ ه. ش، شاه طهماسب بار دیگر حکومت بیه‌پس را - که این زمان گیلان در مجاورت دربار صفوی قرار داشت -، در اختیار آل کیا قرار داد؛ زیرا از سال ۹۵۵ ه. ق / ۹۲۶ ه. ش شاه طهماسب به جهت هجوم‌های مکرر عثمانی به آذربایجان و احتمال تصرف پایتخت آن تبریز، برای در امان ماندن از عثمانی و همچنین نزدیکی به آن مناطق، قزوین را به پایتختی برگزید. نزدیکی پایتخت صفویه به گیلان سبب شد تا شاه صفوی در نگرش‌های سابق خود با گیلانیان که بیشتر بر مدارا مبتنی بود، تغییراتی دهد. بنابراین هرچند شاه صفوی اداره امور بیه‌پس را طی فرمانی به خان احمدخان واگذار نمود، اما با یافتن فردی از دودمان اسحاقیه سعی در تجدید حیات این دودمان داشت و از افزایش قدرت خان احمدخان جلوگیری می‌کرد. به گفته عبدالفتاح فومنی، شاه طهماسب یکی از بازماندگان دودمان اسحاقی به نام محمود خان را پیدا و به حکومت بیه‌پس گماشت. محمود خان در سال ۹۶۵ ه. ق / ۹۳۶ ه. ش به عنوان «سلطان محمود خان» در رشت به قدرت رسید. به گزارش همین مورخ او «... پنج سال به امر حکومت و تألیف قلوب سپاهی و رعیت قیام انجام می‌نمود...»^۱

هدف طهماسب از گماردن محمود خان به حکومت گیلان، جلوگیری از افزایش قدرت خان احمد و عدم تهدید قزوین از سوی آل کیا بود تا در فرصت مناسب حکومت‌های محلی گیلان را برچیند.

سلطان محمود بین سال‌های ۹۶۵ تا ۹۷۰ ه. ق / ۹۳۶ تا ۹۴۱ ه. ش توانست با توجه به اقدامات اجتماعی و اقتصادی در بیه‌پس رونق ایجاد کند و آرامش پدید آورد و در مجموع این اقدامات سبب رونق اقتصادی بیه‌پس شود. وی با انتخاب احمدسلطان فومنی سعی در زدودن آثار شکست و فقر در بیه‌پس داشت. از سوی دیگر، با پرداخت منظم باج و خراج سالیانه به دربار صفوی، شاه طهماسب را از خود راضی کرد، اما اختلاف بین احمد سلطان فومنی با ارباب خویش - سلطان محمود - سبب شد او مخفیانه نامه‌ای به شاه طهماسب بنویسد و با توجه به روحیه خست شاه به او بفهماند که حاضر است مبالغی گزاف‌تر از آنچه سلطان بیه‌پس می‌پردازد برگردن گیرد و در عوض آن حکومت بیه‌پس به او واگذار شود. شاه طهماسب پس از اطلاع از این موضوع، فرمانروای بیه‌پس و وزیرش را به دربار خود در قزوین خواست و آن‌ها را مجبور کرد مبالغ پرداختی باج خود را افزایش دهند، به طوری که خان احمد کیایی حاضر به پرداخت آن بود؛ اما هیچ‌یک از آن دو نتوانستند پاسخ مثبتی دهند، در نتیجه شاه آن‌ها را زندانی نمود و حکومت بیه‌پس را در سال ۹۷۰ ه. ق / ۹۴۱ ه. ش در اختیار خان احمد کیایی نهاد. شاه طهماسب پس از این‌که سلطان محمود و احمد سلطان را مدتی در قزوین در اسارت نگه داشت، سلطان محمود را به شیراز فرستاد تا تحت آموزش و راهنمایی مولانا محمد قرار گیرد و او را نسبت به دربار صفوی مطیع نماید.^۱

شاه طهماسب پس از عزل سلطان محمود از حکومت بیه‌پس، سراسر گسکر و کهدم را در اختیار خان کیایی گذاشت و به این ترتیب قدرت فراوانی در اختیار او قرار داد. خان احمد با توجه به این‌که تأیید و فرمان شاه صفوی را در اختیار داشت، به مناطق مذکور لشکرکشی کرد و با شکست امرای کهدم و گسکر آن نواحی را در اختیار خود گرفت. این پیروزی‌ها سبب غرور و نخوت خان احمد شد. وی به جهت این‌که مبادا شاه طهماسب،

سلطان محمود را دوباره به حکومت بیه‌پس بگمارد، نقشه قتل او را فراهم کرد. وی برای این منظور یکی از نزدیکان خود به نام ملا شکر را به شیراز فرستاد تا با فریب مولانا محمد سلطان محمود را به قتل برساند. ملا شکر بر اساس برنامه‌ای از پیش تعیین شده توانست در سال ۹۷۱ ه. ق / ۹۴۲ ه. ش سلطان محمود را معدوم کند. ملا شکر پس از این واقعه به لاهیجان گریخت، اما اطرافیان سلطان محمود پس از آگاهی از دخالت خان احمد به نزد شاه طهماسب شکایت کردند و خواستار مجازات قاتل سلطان محمود شدند. شاه طهماسب نیز از جسارت خان احمد خشمگین شد و نماینده‌ای به لاهیجان فرستاد و از وی خواست تا قاتل سلطان محمود را در اختیار او قرار دهد، اما خان احمد زیر بار نرفت و به هر بهانه‌ای از تحویل ملا شکر به شاه طهماسب طفره رفت. شاه طهماسب از طرفی چون به قدرت خان احمد پی برده بود، این مسأله را بهانه‌ای بین خود و خان احمد خان قرار نداد و به‌طور موقتی از جنگ با او منصرف شد، اما در این اوضاع و احوال همسر سلطان محمود پسری به دنیا آورد و از سوی شاه طهماسب، جمشید نامیده شد. جمشید چند سال نزد داشداربیک شیخاوند در خلخال به سر می‌برد و پس از سه سال از سوی شاه طهماسب به همراهی یوقلی سلطان ذوالقدر به حکومت بیه‌پس گماشته شد. شاه طهماسب با این اقدام و اعطای دوباره حکومت گسکر به امیره ساسان و کهدم به کامران میرزا، سعی در تضعیف قدرت خان کیایی نمود.^۱ علاوه بر این که شاه با این اقدامات قصد تضعیف موقعیت خان کیایی را در نظر داشت، مدعی بود کارکیا مدت سه سال از پرداخت خراج و مالیات به دولت مرکزی طفره می‌رود، و مال دوستی و خستی که شاه طهماسب به آن مبتلا بود از دلایل دیگر زمینه‌سازی سقوط خان احمد خان شد.^۲

حضور یوقلی سلطان ذوالقدر به منظور تثبیت حکومت جمشید خان در بیه‌پس به معنای جنگ شاه طهماسب با خان احمد کیایی بود؛^۳ زیرا شاه صفوی حکومت مناطقی که مدتی پیش در اختیار وی نهاده بود از او بازپس گرفته و به حاکمان سابقش داده بود.

۲. عالم‌آرای شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۳۹۰.

۱. فومنی، همان: ۳۵-۴۰.

۳. روملو، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۴۵۳-۱۴۵۴.

خان احمد برای حفظ آن سامان ابتدا سپهسالار خود سعید را برای محافظت گسکر فرستاد، اما او نتوانست در برابر لشکر صفوی و امیره ساسان مقاومت نماید و شکست خورد. پس از این ناکامی، خان احمد فرزند خود سلطان حسن را برای مقابله با آن‌ها فرستاد، اما او نیز در هنگام لشکرکشی درگذشت. مرگ سلطان حسن ضربه بزرگی بر روحیه خان احمد وارد ساخت و از سوی دیگر سبب ضعف نظامی او شد، سرانجام وی مهبیای دفاع از رشت برآمد، اما در جنگ رشت شکست سختی متحمل شد و ناچار شد به قلمرو شرق سپیدرود بازگردد.^۱

شاه طهماسب و سردار صفوی یولقلی سلطان در ابتدا قصد سرکوبی خان احمد را نداشتند. وظیفه سردار صفوی تثبیت حکومت جمشید شاه در فومن بود. دلیل این امر سپاهیان اندکی بود که شاه در اختیار سردار خود نهاده بود. اما روند حوادث سبب شد تا حکومت صفوی و خان کیایی در برابر یکدیگر قرار گیرند. مقصر این حوادث نیز خان احمد بود؛ زیرا خان کیایی پس از شکست‌های متعددی که از حاکمان تابع حکومت صفوی و یولقلی سلطان متحمل شده بود، با لجاجت سعی در بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته داشت. هدف یولقلی سلطان، راندن خان احمد از غرب سپیدرود بود، اما خان احمد استحکاماتی در کوچصفهان بنا نمود و این مسأله سبب شد تا یولقلی سلطان برای سرکوب وی به این سامان لشکرکشی کند. جنگ بزرگی که در سیاه رودبار میان یولقلی سلطان و سپهسالار لاهیجان کاکوشاه منصور واقع شد، به مرگ سردار صفوی در سال ۹۷۴ هـ. ق / ۹۴۵ هـ. ش انجامید. کیاییان پس از این پیروزی بر رشت دست یافتند.^۲ خبر شکست و مرگ سردار صفوی، خشم شاه طهماسب را برانگیخت و او را به جنگی جدی و تمام‌عیار با خان کیایی واداشت، بنابراین شاه طهماسب در سال ۹۷۴ هـ. ق / ۹۴۵ هـ. ش سپاه بزرگی به سرداری معصوم‌بیک به گیلان فرستاد. نظر سلطان استاجلو نیز از سوی دیلمان، خان احمد را در محاصره قرار داد. خان احمد در برابر هجوم همه‌جانبه شاه طهماسب به گیلان غافلگیر شد. به گفته عبدالفتاح فومنی:

۱. فومنی، ۱۳۴۹: ۳۷-۳۸؛ روملو، همان، ج ۳: ۱۴۵۴-۱۴۵۵.

۲. فومنی، همان: ۴۰-۴۵؛ روملو، همان، ج ۳: ۱۴۵۴؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۶۹؛ بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸:

«... چون نواب احمدخان از سورت غضب پادشاه ایران متوهم شده، متحیر و مشوش خاطر، در جنگل‌های اشکور و سُمام و سایر بلاد محروسه می‌گردید، ارباب و اعیان و ملکان و کدخدایان و جمهور و سپاه و لثام ولایات و بلوکات بیه‌پیش، به قدم اعزاز و احترام و استقبال پیش آمده، اطاعت و متابعت نواب معصوم‌بیک می‌نمودند...»^۱

خان احمد هنگامی که در دیلمان به سر می‌برد با هجوم نظر سلطان مواجه شد، بنابراین مجبور به ترک دیلمان شد. وی برای جلوگیری از هجوم سپاهیان صفوی به لشت‌نشا دوازده هزار نظامی را به سرداری امیر جهانگیر در آن سامان قرار داد و خود در رشت سنگر گرفت؛ اما سردارانش نتوانستند در برابر معصوم‌بیک مقاومت نمایند و خان احمد پس از شکست به لاهیجان عقب نشست. نبرد نهایی خان احمد با معصوم‌بیک در کنار سپیدرود، در ۱۲ محرم ۹۷۵ ه. ق / ۶ مرداد ۹۴۶ ه. ش روی داد و به شکست کامل وی انجامید. عدم توانایی او در برابر سپاه صفوی سبب شد تا خان احمد با عجله، یکی از علما و وزرای بزرگ آل کیا به نام ملا عبدالرزاق لاهیجی را به دربار صفوی بفرستد و خواستار صلح و میانجیگری میان او با شاه صفوی شود، اما این سفارت نتیجه‌ای برای وی دربر نداشت؛ زیرا شاه صفوی مصمم به نابودی کامل قدرت خان احمد بود.^۲

خان احمد در پی عدم توانایی در برابر سپاه صفوی به نواحی کوهستانی اشکور فرار کرد و مدت‌ها در آن سامان از جایی به جای دیگر می‌رفت. در طی مدتی که خان احمد در جنگل‌ها و کوهستان‌های گیلان سرگردان بود، بیه‌پیش به دلیل اقدامات نابخردانه‌اش توسط سپاه صفوی غارت می‌شد. خان احمد سپس در منزل میر ملک اشکوری - که سپهسالار آن ولایت بود - دستگیر و به لاهیجان نزد معصوم‌بیک آورده شد.^۳ فومنی درباره ماده تاریخ این واقعه می‌نویسد:

«چو بنهاد خان احمد لاهیجان
قدم بهر تسخیر الکای رشت
قضا بیخ دیوار ملکش بکند
حروف «قضا کند» تاریخ گشت»^۴

۱. فومنی، ۱۳۴۹: ۴۶. ۲. فومنی، همان: ۴۵؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۴۵۵-۱۴۵۷.

۳. بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۲۸-۲۳۰؛ روملو، همان، ج ۳: ۱۴۵۸.

۴. فومنی، ۱۳۴۹: ۴۷.